

سهم بخش صنعت، معدن و تجارت از تسهیلات بانکی

دکتر احمد تشکینی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

گسترش صنعت

سیاستهای اعتباری و بویژه نحوه توزیع اعتبارات بانکی جزء مهمترین گلوگاههای پشتیبان سرمایه‌گذاری مولد و رشد تولید به‌شمار می‌رود. به‌عبارت ساده بدون تجهیز و تزریق منابع مالی امکان انجام سرمایه‌گذاری، توسعه ظرفیت جدید، بکارگیری ظرفیت‌های بلااستفاده و به‌تبع آن رشد کمی و کیفی تولید وجود نخواهد داشت. بدیهی است حمایت مالی هدفمند از بخش تولید بویژه بخش‌های صنعت، معدن و تجارت به ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری منجر خواهد شد. براین اساس نوشتار حاضر بدنبال یافتن پاسخ برخی سوالات اساسی است. اول آنکه سهم بخش صنعت، معدن و تجارت از تسهیلات بانکی طی سالهای گذشته چه میزان بوده و چه روندی طی کرده است؟ دوم آنکه میزان تغییر در مانده تسهیلات ارایه شده به بخش صنعت، معدن و تجارت با ارقام بسته سیاستی-نظارتی منطبق بوده است؟

در پاسخ به سوال اول باید عنوان داشت که بر اساس اطلاعات بانک مرکزی سهم بخش‌های اقتصادی «بازرگانی داخلی، خدمات و متفرقه»، «کشاورزی»، «صنعت و معدن»، «ساختمان و مسکن» و «صادرات» از مانده بدهی بخش غیردولتی به بانکها و موسسات اعتباری طی دوره ۸۷-۱۳۸۰ به ترتیب ۲۶.۷، ۱۶.۴، ۳۰، ۲۴.۵ و ۲.۴ درصد بوده است. شایان ذکر است سهم بخش بازرگانی داخلی، خدمات و متفرقه از مانده بدهی طی دوره ۸۷-۱۳۸۰ دارای روندی صعودی بوده است، بگونه‌ایکه از ۱۷.۲، ۲۰.۳، ۲۲.۹ و ۲۴.۵ درصد طی دوره ۸۳-۱۳۸۰ به ۲۷.۴، ۳۰.۸، ۳۵.۴ و ۳۴.۴ درصد طی دوره ۸۷-۱۳۸۴ افزایش یافته است. سهم بخش صنعت، معدن و تجارت از مانده بدهی طی دوره مذکور دارای روند نزولی بوده است بگونه‌ایکه از ۳۰.۲، ۳۰.۷، ۳۲.۵، ۳۳.۵ درصد طی دوره ۸۳-۱۳۸۰ به ۳۱.۶، ۲۸.۴، ۲۷ و ۲۶.۵ درصد طی دوره ۸۷-۱۳۸۴ کاهش یافته است. سهم صادرات نیز روندی نزولی طی کرده است بطوریکه از ۴.۸، ۲.۶، ۲.۲، ۲.۳ درصد طی دوره ۸۳-۱۳۸۰ به ۲.۱، ۱.۶، ۱.۵ و ۱.۸ درصد طی دوره ۸۷-۱۳۸۴ تنزل یافته است.

همچنین وضعیت توزیع منابع تا پایان مهر ۱۳۸۹ نشان می‌دهد که سهم از مانده بدهی بخش‌های غیردولتی به بانکها و موسسات اعتباری در بازرگانی، خدمات و متفرقه ۳۲.۶ درصد، مسکن و ساختمان ۲۷.۹ درصد، صنعت و معدن ۲۵.۵ درصد، کشاورزی ۱۲.۷ درصد و صادرات ۱.۳ درصد بوده است. ضمناً سهم بخش صنعت و معدن از مانده بدهی بخش غیردولتی به بانکها و موسسات اعتباری (بانکهای دولتی و بانکهای غیردولتی) در پایان بهمن

۱۳۹۰ معادل ۲۱.۲ (۱۵.۷ و ۲۶.۷) درصد بوده است. براساس اطلاعات مذکور مشاهده می‌شود که توزیع اعتبارات بانکی بین بخش‌های مختلف اقتصادی به تدریج به سمت بخش خدمات و بازرگانی سوق پیدا کرده و بخش‌های مولد تولیدی و صادراتی سهم کمتری به خود اختصاص داده‌اند.

در پاسخ به سوال دوم باید اشاره داشت که براساس ماده (۷) بسته سیاستی-نظارتی سال ۱۳۹۰ شبکه بانکی می-بایست توزیع تغییر در مانده تسهیلات شبکه بانکی کشور در بخش‌های مختلف اقتصادی بصورت کشاورزی و آب ۲۰ درصد، صنعت و معدن ۳۷ درصد، مسکن و ساختمان ۲۵ درصد، صادرات و زیرساختهای بازرگانی ۱۰ درصد و بازرگانی، خدمات و متفرقه ۸ درصد صورت گیرد. اما آنچه در عمل رخ داده است نشان می‌دهد که طی اسفندماه ۱۳۸۹ الی بهمن‌ماه ۱۳۹۰ سهم بخش صنعت و معدن از کل تغییر در مانده تسهیلات اعطایی بانکها و موسسات اعتباری (بانکهای دولتی و غیردولتی) طی دوره مذکور ۱۳.۷ (۵.۷ و ۲۵.۹) درصد بوده است. مقایسه ارقام مذکور حاکی از انحراف توزیع منابع بین بخشهای مختلف اقتصادی دارد.

براساس آنچه عنوان شد در جمع‌بندی می‌توان بیان داشت که سهم بخش صنعت، معدن و تجارت از مانده تسهیلات اعطایی دارای روندی نزولی است. همچنین سهم این بخش از تغییر در مانده تسهیلات اعطایی طی سالهای اخیر به شدت کاهش یافته است، به‌عنوان مثال این سهم طی اسفندماه ۱۳۸۹ الی بهمن‌ماه ۱۳۹۰ حدود ۱۳.۷ درصد بوده است. بدیهی است تداوم روند مذکور طی سالهای آتی به‌عنوان تهدیدی برای جذب منابع در این بخش محسوب می‌شود و نیاز است تا در سیاستهای اعتباری و توزیع منابع و همچنین اتخاذ سیاستهای بهبود فضای کسب و کار به‌منظور جذابیت بخشهای تولیدی گامهای اساسی برداشته شود